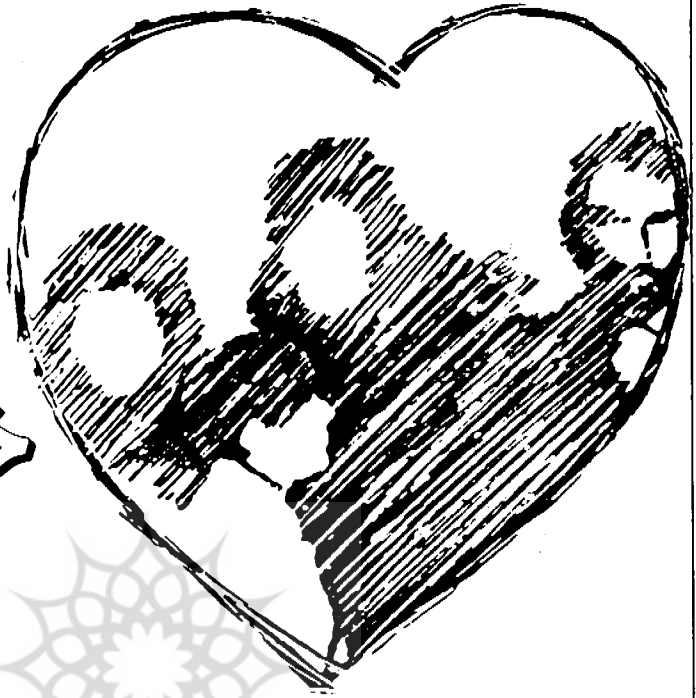


خانواده خوشبخت



مهربوریم تا زندگی شیرین تر شود

این بار مقاله را با شعر زیبایی از سعدی علیه
الرحمه آغاز می‌کنیم:
تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
در این شعر سعدی می‌خواهد بگوید ضمن
ارتباط تن و جان و تأثیرات هر یک بر
دیگری، ارزشمندی و شرافت انسان درگرو
هویت روحیات انسانی و اخلاقی است و اگر
روزی ارزشهای معنوی را از انسان جدا
سازند، فرقی بین او و نقش وی بر دیوار
وجود نخواهد داشت. حال بر اساس این شعر

سعدی می‌خواهیم ببینیم لذت زندگی و سکون
و آرامشی که به خاطر آن به زندگی خانوادگی
روی آورده‌ایم در کدامین بخش از زندگی
خانوادگی وجود دارد و آیا در خانواده امروزی
ما سکون و آرامش واقعی وجود دارد یا
خانواده‌ها ادای زندگی رادر می‌آورند؟
به عقیده ما زندگی خانوادگی دارای دو
بخش متمایز است. اول بخش فیزیکی خانواده

بخش فیزیکی خانواده جزو ابزار و وسایلی است که زن و مرد در حد لزوم و ضرورت باید از آنها استفاده کنند، زیرا وسایل و ابزار هرگز خوشبختی و سعادت آفرین نیستند. اگر قرار بود وسایل و امکانات سعادت آفرین باشد، خانواده‌های غربی که زودتر و کاملتر از ما از این ابزار برخوردار شده‌اند باید قله سعادت و خوشبختی را فتح کرده باشند، در حالی که همه می‌دانیم خانواده‌های غربی به دلیل بی‌ایمانی و فقدان ملکات اخلاقی در حال پاشیده شدن هستند.

در گذشته وقتی که زنان ایرانی به خانه شوهر می‌رفتند شعارشان این بود که با چادر به خانه شوهر می‌رویم و با کفن از آن خارج می‌شویم. بر اساس همین شعار با فقر و نداری، بیماری و مرض، تندی و تیزی و هزاران مشکل دیگر سازگاری می‌کردند و هرگز از طلاق و جدایی دم‌نمی‌زدند، و بر همین اساس صفا و لذت زندگی خانوادگی در گذشته ملموس‌تر و استحکام آن بیشتر بود.

البته هرگز نمی‌خواهیم ادعا کنیم که در گذشته زنان و مردان از ملکات اخلاقی کامل برخوردار بودند و هیچ‌گونه اختلافی میان زن و شوهرها وجود نداشت، بلکه نکته مهم این است که در آن زمانها زندگی خانواده‌ها بسیار ساده و بی‌آلایش بود.

اما در زمان مابعد فیزیکی خانواده با گذشته بسیار فرق کرده است. امروز بیشترین توان خانواده‌ها مصرف فراهم آوردن تجهیزات مادی زندگی می‌شود و تهاجم فرهنگی غرب در این تغییر رفتار مؤثر بوده است. همچنین توجه داریم که هر روز و هر لحظه تجهیزات مادی جدیدتر و متنوع‌تری به بازار عرضه

و آن عبارت از امکانات و تجهیزات مادی است مانند خانه ملکی یا استیجاری، میزان در آمد شوهر، امکانات و وسایل زندگی از قبیل یخچال و غیره. دوم بخش معنوی خانواده و آن عبارت است از میزان تحصیلات و برخورداری زوجین از فرهنگ غنی در سطح بالا، وجود صمیمیت و یکدلی میان زن و شوهر، به طوری که از دیدار یکدیگر دچار مسرت و شادمانی شوند و ...

ضمن اقرار به اینکه ابعاد فیزیکی و معنوی خانوادگی در یکسید دیگر اثر می‌گذارند، می‌خواهیم این نکته را در یابیم که هدف اصلی و اساسی ازدواج که وصول به سکون و آرامش زن و مرد است وابسته به کدام بخش زندگی خانوادگی است؟ آیا با فراهم آوردن امکانات و تجهیزات مادی منهای بخش اخلاقی و معنوی می‌توانیم از یک زندگی واقعی برخوردار باشیم؟ یا زندگی واقعی و اصیلی که زن و مرد را به سکون و آرامش می‌رساند وابسته به برخورداری زن و مرد از روحیات انسانی و اخلاقی است؟ پاسخ این است که در پرتو دارا بودن ملکات اخلاقی می‌توان به یک زندگی مطلوب و واقعی دست یافت. به عبارت دیگر آنچه که زندگی ساز است، آنچه که زندگی خانوادگی را گوارا و لذت بخش می‌کند، آنچه که زندگی خانوادگی را استحکام می‌بخشد، آنچه که موجب پرورش فرزندان برومند و قوی می‌گردد، آنچه که زندگی خانوادگی را از هر بنایی در نزد خدا محبوب‌تر و متعالی‌تر می‌گرداند، آنچه که نوح پیامبر از خدا تقاضا می‌کرد که بار خدایا مرا در منزلی مبارک و میمون فرود آور، همه و همه در پرتو روابط انسانی و ملکوتی زن و مرد تحقق می‌یابد. و اما

گذشته بسیار دشوارتر و سخت‌تر شده است. امروز مادر شرایطی هستیم که بخش عظیمی از زنان همانند مردان روزانه در تلاش و کوشش هستند و زندگی امروز مردان هم پیچیدگی بسیاری پیدا کرده، فراهم آوردن مخارج زندگی بسیار دشوار شده است. بنابراین مرد و زن هر دو در محیط خانوادگی احتیاج به سکون و آرامش بیشتری دارند.

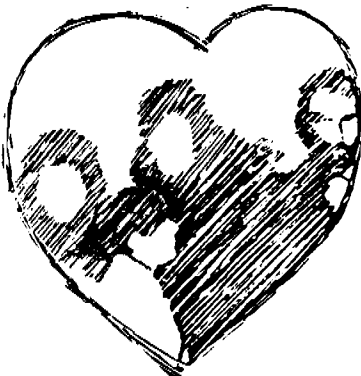
برای رسیدن به سکون و آرامش، رعایت نکات زیر برای زن و مرد ضروری و لازم است:

۱- زنان و مردان هر دو باید متخلق به اخلاق اسلامی شوند و در برخورد با یکدیگر اصول انسانی و تکریم و احترام دیگری را رعایت کنند.

۲- خویشتن را از زیاده طلبی و حرص و آزمندی بازدارند، زیرا با آزمندی بسیاری از اصول انسانی و اخلاقی پایمال می‌گردد.

۳- زن و شوهر تلاش کنند که روحیه قناعت و رضایتمندی را در چهارچوب زندگی فراهم آورند.

۴- زن و شوهر سعی کنند در ارتباط با یکدیگر به جای تندی و تیزی و نق‌زدن‌ها متبسم و گشاده رو باشند. فراموش نکنیم که رسول خدا در تمام دوران زندگی خود متبسم

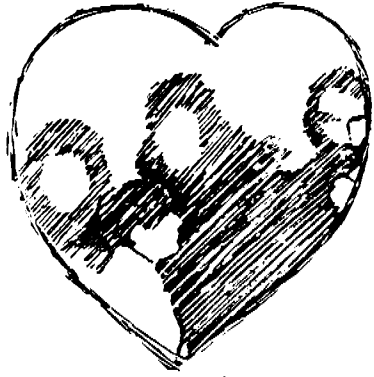


می‌گردد و نتیجه آن می‌شود که خانواده‌ها بیشتر اوقات خود را برای تهیه و فراهم آوردن آنها صرف می‌کنند و به تدریج زندگی بی‌آلایش و ساده از خانواده‌ها رخت بر بسته، حرص و آزمندی جایگزین آن می‌گردد.

بدیهی است که به موازات این تغییر و تبدیل، سطح اخلاقی و ملکات انسانی در حال تنزل است و هدف اصلی و اساسی ازدواج که صفا و صمیمیت و آرامش و سکون می‌باشد به دست فراموشی سپرده شده است.

ما نمی‌خواهیم بگوییم که خانواده‌های امروزی باید به زندگی سابق بازگشت کنند و همان سادگی را دوباره به دست آورند، بلکه منظورمان این است که با برخورداری از اصول انسانی و اخلاقی در شرایط کنونی هم می‌توان به اهداف اساسی زندگی مشترک دست یافت. لذا لازم است زنان چشم و هم‌چشمی را کنار گذاشته، توان و امکانات مادی همسران خود را در نظر بگیرند و قناعت و سازگاری را پیشه سازند. آنان باید بیشترین سعی و اهتمام خود را متوجه فراهم آوردن محیطی سرشار از صفا و صمیمیت نمایند، تا همسرانشان از محیط خانه لذت ببرند و در چنین محیط آماده‌ای است که فرزندان برومند و با استعداد پرورش می‌یابند.

متأسفانه بررسیها حاکی از آن است که در برخی از خانواده‌ها جنگ و نزاع و نق‌زدن‌ها آنچنان فراوان و شایع شده است که به جای وصول به سکون و آرامش، اعصاب زن و مرد هر دو ضعیف و ناتوان شده، هر لحظه در آستانه انفجار قرار می‌گیرند. به عقیده ما این گونه خانواده‌ها زندگی نمی‌کنند، بلکه ادای زندگی را درمی‌آورند. زنان و مردان باید توجه داشته باشند که زندگی در عصر حاضر نسبت به



قدرتمند نیمه شبها با لباس غیر رسمی از در مخصوصی دزدانه از خانه خارج می‌شد و به خیابانهای پاریس پناه می‌برد تا از تقزندهای همسرش نجات یابد.

همسر تولستوی نویسنده معروف و مشهور روسیه هم به همین درد دچار بود. زن تولستوی قبل از درگذشت شوهرش به دختران خود اعتراف کرد که من باعث مرگ پدرتان شدم و آنها به جای جواب دادن تنها به اشک ریختن اکتفاء کردند، زیرا می‌دانستند که مادرشان راست می‌گوید و شکایت‌های دائم و تقزندهای همیشگی او موجب مرگ پدرشان شده بود.

زن تولستوی عاشق تجمل و شهرت طلبی و شیفته زرق و برق بود، در حالی که شوهرش ارزشی برای این امور قائل نبود. سرانجام تولستوی بر اثر همین تقزندها در شبی که هوا بسیار سرد بود و همه جا را برف فراگرفته بود از خانه بیرون آمد و در سرما و تاریکی به سوی هدفی نامعلوم رهسپار گردید. یازده روز بعد جسد بیجان او را در یکی از ایستگاه‌های راه آهن روسیه یافتند، در حالی که در اثر بیماری ذات‌الریه در گذشته بود. او در موقع جان دادن سفارش کرده بود که راضی نیست همسرش حتی برای دیدن جسد او هم حاضر گردد.

منابع

- ۱- قرآن مجید، سوره مؤمنون، آیه ۲۹
- ۲- نهج الفصاحه
- ۳- نهج البلاغه، المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه
- ۴- کتاب دلیل کارنگی، صفحه ۳۲۲

بود و می‌فرمود که هرگز نمی‌توان با مال و ثروت انسانها را مجذوب خود ساخت، ولی با گشاده‌رویی و خوشرویی می‌توان دلها را به سوی خود جذب کرد.^۲

۵- روحیه تنوع طلبی را در خود سرکوب سازند و خویشتر را از اسارت آن نجات دهند.

۶- علی علیه‌السلام یکی از نشانه‌های ایمان را این می‌دانست که نشاط و خرمی در چهره شخص مؤمن نمایان است.^۳

۷- زنان و مردان حزن و غم‌های خود را در دل پنهان بدارند و دربرخورد با یکدیگر از اخم و تلخی برکنار باشند.

۸- زنان توجه داشته باشند که با تقزندها لذت و صفای زندگی را مدفون می‌سازند.

۹- به نظر برخی از کارشناسان غربی که مسؤول دادگاههای خانواده بودند، یکی از علل مهم طلاق و متارکه‌ها و فرار مردان از محیط خانوادگی بهانه جویی و تقزندن زنان است.

در خاتمه برای پی بردن به آثار شوم بهانه جویی و تقزندها لازم می‌دانیم به دو جریان تاریخی اشاره‌ای فشرده داشته باشیم.

ناپلئون بناپارت^۴ با زنی به نام اوژنی ازدواج کرد و برایش عالیترین امکانات را فراهم آورد. ولی او به بیماری تقزندن مبتلا بود. سرانجام این تقزندها کار را به آنجا رسانید که ناپلئون